

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و دوم ، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

صفحات: ۱۵۳-۱۳۶

رویکرد حقوق کیفری در تخفیف مجازات های حدی و تعزیری

نویسنده:

سیروس مرادپور^۱ *

چکیده

تخفیف کیفر، می تواند به عنوان ابزاری دقیق و کارساز جهت صدور احکام عادلانه در محاکم قضایی باشد به همین دلیل موضوع تخفیف مجازات ازجمله موضوعاتی است که بیشتر از دوره های مختلف مورد توجه قانون گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار گرفته و شرایط و ضوابطی نیز برای آن در نظر گرفته است قاضی در اعمال تخفیف کیفر اختیاری بی حد و حصر داشت در مورد آثار تخفیف کیفر در قانون جدید هم باید گفت که قانون گذار حدود تخفیف مجازاتهای تعزیری را در ذیل ماده ۳۷ بیان نموده است در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر دهد. این مقاله بصورت تحلیلی و توصیفی انجام شده است و نقش کلی اجرای قوانین از نظر شکلی و ماهوی که در حال اجرا می باشد مورد بررسی و تبیین قرار داده است رویکرد حقوق کیفری و قوانین موضوعه حاضر در نظام حقوقی و تخفیف مجازات های حدی و تعزیری را بیان نموده که این امر می تواند فرآیند خوبی در کاهش جمعیت کیفری در جامعه و ایجاد آرامش در جامعه بدنبال داشته باشد.

کلید واژه ها : تخفیف کیفر، مجازات قانونی، نظام حقوقی، محاکم قضایی

۱- مقدمه

اصل فردی کردن مجازاتها یکی از مهمترین اصولی که در حقوق جزای کشورهای مختلف جهان مورد قبول واقع شده است و با توجه به این که افراد انسانی دارای شخصیت های گوناگونی هستند قاضی کیفری موظف است با استفاده از اختیاری که برای او در نظر گرفته شده است به منظور تامین هرچه بهتر اهداف مجازات، با در نظر گرفتن خصوصیات ویژگی های خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... متهم مجازاتی متناسب با وضعیت وی مورد حکم قرار دهد. عدالت نیز اقتضا می کند که قاضی به هنگام صدور حکم محکومیت و مجازات علاوه بر جرم ارتكابی و نحوه انجام آن به شخص مجرم و شرایط وی نیز توجه کند وجود بنیاد هایی همچون کیفیات مخففه، صرف نظر از برخی مشکلات آن می تواند به عنوان ابزاری دقیق و کارساز جهت صدور احکام عادلانه ای باشد که عدالت اقتضای آن را دارد. موضوع تخفیف مجازات از جمله موضوعاتی است که در دوره های مختلف روند متفاوتی را به خود دیده است. در قوانین کیفری ما، اعم از قوانینی که قبل و یا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضع شده اند، مقرراتی راجع به تخفیف مجازات دیده می شود. اعمال تخفیف قضایی برای دادگاهها یک امر اختیاری است و نظر به اینکه قانونگذار عبارت « دادگاه می تواند » را در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی بکار برده حکایت از این دارد که اعمال مقررات تخفیف یا تبدیل مجازات برای دادگاهها یک امر کاملاً اختیاری بوده و ممکن است دادگاه علیرغم احراز جهات تخفیف یا تبدیل مجازات از مقررات ماده مرقوم استفاده ننماید. از جمله مواردی که در تخفیف مجازاتهای حدی و تعزیری می توان از آن استفاده کرد می توان به موارد مطروحه ذیل در مقاله یاد شده استناد کرد. یکی از ویژگی های تخفیف مجازات، اختیاری بودن آن است، بدین معنا که هر گاه بزهکار به موجب مقررات قانونی و تحقق عوامل مستوجب تخفیف باشد

(الهام، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳) دادگاه ملزم به اعمال تخفیف نیست بلکه تخفیف از اختیارات محاکم است و قاضی حتی با احراز شرایط، الزامی به دادن تخفیف ندارد. تخفیف تنها در مورد جرائم تعزیری قابل اعمال است؛ بنابراین اعمال تخفیف در باب حدود و قصاص و دیات امکان پذیر نیست. دادگاه تجدیدنظر چنانچه پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تأیید حکم بدوی مستدلاً می تواند مجازات او را تخفیف دهد هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

تخفیف مجازات در دیوان عالی کشور بعنوان مرجع تجدیدنظر به دلیل اینکه رسیدگی در آن به صورت شکلی می باشد در صورت صحیح بودن رأی آن را تأیید و در غیر اینصورت نقض و به مرجع قانونی جهت رسیدگی مقتضی اعاده می نماید و رأساً به تعیین کیفر اقدام نمی کند، بنابر این مبادرت به تخفیف بوسیله خود دیوان عالی کشور جایگاه قانونی ندارد. هر گاه دادگاه بدوی به

جهتی از جهات تخفیف اقدام به تخفیف مجازات کند، دادگاه تجدید نظر نمی تواند به همان جهت، مجازات را تخفیف دهد ولی به جهات دیگر می تواند مجازات را تخفیف دهد یا تبدیل مجازات بطور توأمان امکان پذیر نیست؛ یعنی دادگاه نمی تواند مجازات تعزیری و بازدارنده را بدو تخفیف و سپس مجازات تخفیف یافته را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید. دادگاه می تواند فقط مجازات تعزیری و بازدارنده را تخفیف یا تبدیل به مجازات دیگری که به حال متهم مناسب تر باشد بنماید.

هدف تحقیق

اگرچه تخفیف کیفر در قوانین قبلی نیز وجود داشته است اما با توجه به این که در قانون جدید، به تخفیف کیفر، هم توجه بیشتری نشان داده شده هم دارای ضوابط مشخص تر و روشن تری گردیده است مقاله حاضر موضوع تخفیف کیفر را با هدف شناسایی بهتر این نهاد مهم و مقایسه آن با قوانین قبلی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد که امید است مورد استفاده دانشجویان محترم حقوق، اساتید بزرگوار و همه کسانی که با این موضوع سروکار دارند قرار گیرد.

پرسش ها و فرضیه ها

مهمترین پرسشی که در رابطه با تخفیف کیفر به ذهن متبادر می شود این است که آیا تخفیف کیفر نسبت به تمام جرایم (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) اعمال می شود یا نه فقط مربوط به یک سری جرایم خاص است؟

پرسش های دیگری که ممکن است نسبت به این موضوع مطرح گردد این است که در صورت فراهم بودن شرایط تخفیف قاضی مکلف به اعمال تخفیف کیفر است یا نه این امر اختیاری است؟

آیا تخفیف کیفر برای کسانی که تعدد یا تکرار جرم انجام داده اند وجود دارد یا خیر؟ به نظر می رسد تخفیف کیفر فقط نسبت به جرایمی باید اعمال گردد که قابلیت نوسان دارند یعنی امکان تغییر در آنها وجود دارد. پس به نظر میرسد در جرایمی مانند حدود و قصاص و دیات که مجازات ثابتی دارند و امکان تغییر در آنها نیست نمی توان اعمال تخفیف کیفر کرد. همچنین به نظر می رسد قاضی در اعمال تخفیف کیفر مخیر باشد یعنی هرچند شرایط تخفیف وجود دارد اما این دست قاضی است که این تخفیف را اعمال بکند یا نکند. و در پاسخ به پرسش سوم باید بیان داشت، با توجه به این که این افراد دارای حالت خطرناک اند و عدالت اقتضا می کند که این افراد مجازات شوند بنابراین نمی توان آنها را مشمول تخفیف کیفر دانست.

پیشینه تحقیق

باتوجه به این که قانون مجازات اسلامی در سال گذشته به تصویب رسیده به نوعی یک نهاد جدید است یعنی دارای ضوابط و شرایط خاص و مشخصی گشته و موارد جدیدی را نسبت به قوانین قبلی دارد به نظر می رسد افراد بسیار کمی نسبت به این موضوع پژوهش کرده اند. یکی از این افراد آقای دکتر محمد علی اخوت قاضی سابق دیوانعالی کشور است که مقاله ای تحت عنوان کیفیات مخففه و موانع آن نوشته است (سلیمی، صادق، ۳۹۳، ص ۲۴۷) که به نظر میرسد تمام جوانب این موضوع را در نظر نگرفته است. اگر چه اساتید بزرگوارى همچون دکتر نوربها و دکتر نقی ایزدی پژوهش مفصلی نسبت به تخفیف مجازات براساس قوانین قبلی انجام داده اند. بنابراین و با توجه به این که این موضوع بر اساس قانون ۱۳۹۲ یک موضوع نسبتا جدیدی است و این که کتاب ها به ذکر کلیاتی در مورد این موضوع بسنده کرده اند و ضرورت فراگیری آن و همچنین شناسایی ابعاد مختلف این نهاد احساس می شود تصمیم بر این گرفتیم تا پیرامون این مهم به مطالعه و پژوهش بپردازیم.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با مطالعه ی متون دست اول موجود ، از طریق کتاب ها ، مقالات، مجلات و پایان نامه ها در حوزه ی تخفیف کیفر و با روش تحلیلی توصیفی و نظری بدست آمده است. پژوهش حاضر در بخش اول به بیان چیستی و چرایی تخفیف کیفر خواهیم پرداخت سپس در بخش دوم ابتدا به سابقه ی تخفیف کیفر در تاریخ حقوق ایران و سپس به بیان شرایط و رویکرد حقوق ایران نسبت به تخفیف کیفر و همچنین به بیان موانع تخفیف کیفر خواهیم پرداخت و در پایان نیز آثار تخفیف کیفر را مورد بررسی قرار داده است. علت این که این پلان و دسته بندی مورد توجه قرار گرفته این است که در بررسی هر موضوعی در ابتدا باید موضوع را فهمید تا بتوان در مورد مسائل پیرامون آن بحث و بررسی کرد. علت این که سابقه این موضوع پیش از بررسی اصل موضوع آمده این است که با فراگیری این موضوع در قوانین قبلی و تطبیق آن با قانون حاضر تشابهات و تفاوت های آن مشخص گردد و به فهم بهتر مطلب کمک کند.

فصل اول: چیستی و چرایی تخفیف کیفر

برحسب قانون به طور صریح و روشن تعریفی از تخفیف کیفر به عمل نیامده است لکن با توجه به مواد مذکور در قانون چنین مستفاد میگردد که قانون اجازه داده در هر مورد که دادرسان مصلحت بدانند و شرایط فراهم باشد کیفر مجرمی، تخفیف یابد و در واقع این تخفیف را مشمول کسانی نماید

که قانون آن‌ها را مستحق تخفیف دانسته باشد (مصدق ، ۱۳۹۶ چاپ سوم، ص ۶۵) پس تخفیف کیفر یا کم نمودن مجازات از حداقل مجازات قانونی آن باید برحسب اجازه قانون باشد. در یک تعریف کوتاه میتوان گفت: تخفیف کیفر عبارتست از: تعیین مجازات کمتر از حداقل مجازات قانونی یا تبدیل مجازات به نوع دیگری که باتوجه به وضع محکوم علیه عرفاً خفیف تر باشد اسباب تخفیف کیفر نیز موجباتی هستند که هر گاه با اوضاع و احوال وقوع جرم قرین گردد مجازات بزهکار تخفیف می یابد. در نظام قضایی ایران تخفیف مجازات به دو صورت انجام می شود: تخفیف قانونی و تخفیف قضایی منظور از تخفیف قانونی، تخفیف الزامی است یعنی قانون گذار دادگاه را مکلف کرده که در موارد خاصی مجازات جرم را تخفیف دهد مانند ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ماده مذکور مقرر می دارد: اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آن‌ها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده میشود و یا از مجازات معاف خواهند شد. منظور از تخفیف قضایی، اختیار دادگاه نسبت به اعمال تخفیف در مجازات قانونی است. ماده ۳۷ این قانون در مقام بیان تخفیف قضایی است. در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می تواند مجازات تعزیری را...تقلیل دهد." در پایان این بخش ذکر این نکته ضروری است تخفیف کیفر تاثیری در میزان تقصیر و مسئولیت بزهکار ندارد بلکه در تقلیل میزان مجازات موثر است.

فصل دوم

۱- مبنای منطقی و عقلی

منطق عرفی و عقل بشری نمی پذیرد که افرادی که با شخصیت های گوناگون، غرایز، تمایلات و انگیزه های متفاوت در صورت ارتکاب عمل یا ترک عملی که برچسب مجرمیت بر آنها خورده به فرض شبه جرایم، به یک میزان کیفر دهد. عناصر مختلفی را باید در نظر گرفت تا اهداف اصلاحی و درمانی غالب بر اهداف سرکوب گر باشند یکی از این عناصر توجه به کیفیات تخفیف دهنده است که به قضات اجازه می دهند قانونی را که غیر عادلانه و شدید تشخیص می دهند اصلاح کنند چرا که قانون گذار نیز مصون از بی توجهی به مقتضیات و شرایط نیست و عقل نمی پذیرد که قانون گذار در خلأ قانون گذاری کند.

۱-۱- مبنای قانونی

قانون تبلور نیازها و توقعات جامعه است و قانون گذاری نشانه ای از توجه به این نیازها و توقعات است. به رغم عدم مصونیت قانون گذار از اشتباه و لغزش بخصوص نقش قانون گذار در توجه به آزادی های اساسی و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی یک ملت برای تدوین قوانینی مناسب تردید ناپذیر است بنابراین درکنار تصمیمات متعدد قاضی رانیز در اتخاذ تصمیم بی پروا آزاد نمی گذارند و سعی در محدود کردن اختیارات او را دارند. قانون گذار، خود با اشراف به این نکته که امکان درج کلیه مسایلی که در راستای وظیفه قانون گذاری برعهده اوست در مجموعه های قوانین وجود ندارد کوشش می کند به قاضی در حد منطقی و متعارف اجازه دهد تا باتشخیص خود شدت قوانین را تعدیل کند.

۱-۲- مبنای قضایی

توجه به شخصیت مجرمان، قاعده مهم تناسب بین جرم و مجازات و دیدگاه قانون گذار در وضع تخفیف وجهات آن قاضی را وادار می کند که در صورت وجود این کیفیات بدانها بی اعتنا نماند. البته در قانون قاضی علی القاعده اختیاری ندارد و ملزم به رعایت آن هاست. اما در تخفیف قضایی برای قاضی دقیق، عادل، موشکاف و تیزبین راندن همه افرادی که جرم انجام داده اند به یک چوب صحیح نیست و او با در اختیار داشتن ابزارهای قانونی تخفیف کوشش می کند مجازات هایی متناسب با جرم انجام یافته و شدت آن و شخصیت مجرم در نظر گیرد.

۱-۳- مبنای طبیعی

همان گونه که مدافعین قانون طبیعی همواره می گویند بهترین قانون آن است که با رعایت مصالح طبیعت وضع گردد و باتوجه به این که قانون گذاران همواره در حفظ نظم جامعه مقرراتی وضع می کنند، این مقررات باید عادلانه و بر مقتضای طبیعت وضع شود که هم قابل اجرا بوده و هم نظام جامعه را حفظ نماید. ازاین نظر چون برحسب طبیعت همه افراد از لحاظ شرایط محیط، فهم، خلقت، رشد، پیری، نحوه معیشت، محیط تربیت و حتی طرز فکر یکسان نمی باشند قهری است که اعمال صادره از آنها هم به علل مذکور در شرایط یکسان صادر نمی گردد. نتیجتاً مجازات های آنها هم باید تفاوت داشته باشد یعنی صادر گردد. علاوه براین با توجه به این که در یک داروی ترکیبی اگر کیفیت ترکیب صحیح و دقیق عملی نشود نه تنها شفا بخش نبوده بلکه مضر هم واقع می شود. به همان کیفیت، امر تعیین مجازات و رعایت تخفیف و یا تشدید از نظر سلامت جامعه و رعایت اعتدال آن ضروری و مسلم است.

بخش دوم : شرایط و رویکرد حقوق ایران در مورد تخفیف کیفر

قبل از استقرار اسلام و اعمال مقررات جزایی اسلامی کیفیات تخفیف دهنده در مواردی دیده شده است در ایران باستان بیگانه بودن، حسن سابقه و نحوه عملکرد متهم در کاهش میزان مجازات وی موثر بوده است بعنوان مثال میتوان گفت که مجرمین بیگانه معاف از غل و زنجیر بوده اند، هم چنین آشکار کردن همدستان مجرم (همچون شرکا و معاونین مجرم) موجب تخفیف مجازات بوده است (صادقی، ۱۳۹۹، چاپ ۴) به طور کلی در ایران باستان شخص شاه دارای اختیارات مطلق بوده است. در ایران باستان این اعتقاد وجود داشت که اگر کسی مرتکب کار بدی شود در مقابل تقصیر او باید کارهای خویش را هم در نظر گرفت و اگر کارهای بد آن شخص به کارهای خویش برتری داشت مجازات می شد. بعد از استقرار اسلام در ایران و اعمال مجازاتهای شرعی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تخفیف مجازات محدود شد، زیرا در حدود، دسته ای از جرایم با مجازات های معین و ثابت، تعیین شده اند و حاکم باید حکم مجازات وی را بدون هیچ تخفیفی صادر کند مواد ۴۴، ۴۵ و ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ حسب مجازاتهای مختلف در موارد جنایات و جنحه ها تخفیف قایل می شدند، همچنین دادگاهها مکلف بودند جهات و دلایل تخفیف را در احکام خود صریحا قید کنند. تبصره ۱ ماده ۴۵ ماده ۴۵ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ هم اعمال کیفیات مخففه را فقط در تعزیرات می پذیرفت و طبق تبصره ۳ ماده ۳۵ در مورد تعدد جرم دادگاه می توانست کیفیات مخففه را رعایت کند. ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تغییراتی در ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ به وجود آورد از جمله این که مجازات های بازدارنده را در کنار مجازات های تعزیری قابل تخفیف دانست تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ هیچ گونه حد و مرزی نداشت و قانون گذار صرفا با اعلام این که مجازات تخفیف یافته باید از مجازات قبلی مناسب تر به حال متهم باشد، اختیاری بدون حد و حصر به قاضی داده بود اما ماده ۳۷ قانون جدید که مورد بررسی قرار خواهد گرفت موضوع تخفیف را نظام مند کرده است.

شرایط تخفیف کیفر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

تخفیف مجازات در قانون جدید به طور عام در مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ بیان شده است اما به شکل موردی در مواد گوناگون مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه مبحث به آنها خواهیم پرداخت. طبق قانون جدید تخفیف مجازات مخصوص مجازاتهای تعزیری است و در حدود قصاص و دیات مصداق ندارد. چرا که مجازات آنها ثابت است و امکان تغییر در آنها وجود ندارد. ماده ۲۱۹ این قانون در این خصوص مقرر می دارد دادگاه نمی تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر

یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط کند و این مجازات ها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تبدیل یا تقلیل است و هم چنین ماده ۳۷ در این خصوص مقرر می دارد در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می تواند مجازات های تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد تقلیل دهد یا تبدیل کند قبل از ورود به بحث شایان ذکر است که قاضی در تعیین میزان مجازات بین حداقل و حداکثر تعیین شده در قانون اختیار مطلق دارد و نیازی به استدلال در این زمینه ندارد . لیکن چنان چه اسباب تخفیف مجازات وجود داشته باشد ، قانون مجازاتی پایین تر از حداقل مقرر تعیین می کند . همان گونه که در بخش اول بیان شد اسباب تخفیف کیفر دو دسته اند:

الف) عذرهای تخفیف دهنده ب) جهات تخفیف

الف - عذرهای تخفیف دهنده

شرایط ، ویژگی و نحوه رفتار خاص متهم است که بنا به سیاست کیفری خاص ، قانونگذار آن ویژگی یا رفتار را در جرم خاص موجب تخفیف مجازات مرتکب می داند. عذر های تخفیف دهنده به طور موردی در ذیل ماده خاص می آیند و با احراز آن فقط در مورد همان جرم خاص ، قابل اجرا هستند ، معاذیر تخفیف دهنده از قرار ذیل است

عذر اعانت

بر اساس تبصره ۲ ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) که مقرر می دارد " هر گاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مامورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود".

عذر همکاری

قانونگذار در برخی موارد همکاری مرتکب را از موجبات تخفیف وی میداند مثل ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در این ماده قانون گذار مقرر می دارد : " هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد ۵۱۸ ، ۵۱۹ و ۵۲۰ یعنی جرائم تهیه و ترویج سکه تقلبی می شوند ، قبل از کشف قضیه مامورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مامورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی نمایند بنا به پیشنهاد رییس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف مناسب داده خواهد شد و حسب مورد از مجازات حبس معاف می شوند.

عذر خانوادگی

قانون گذار در بضعی موارد رابطه خویشاوندی را موجب تخفیف مجازات دانسته است مثل تبصره ماده ۵۵۴ بخش تعزیرات که میزان مجازات اقارب درجه اول را در خلاصی غیر قانونی متهم نصف مجازات تعیین نموده است در تبصره مذکور آمده است: "در موارد مذکور در ماده ۵۵۳ و این ماده { یعنی اخفا متهمان و مساعدت در فرار و خلاصی آنان از چنگال عدالت کیفری } در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد، مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

عذر ترک جرم

قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۸۳ در بخش تعزیرات برای جرم بازداشت یا حبس غیر قانونی اشخاص، مجازات حبس یک تا سه سال یا جزای نقدی ۶ تا ۱۸ میلیون ریال مقرر کرده است. لیکن در ماده ۵۸۵ همین قانون، قول تخفیف مجازات را به مرتکبانی که جرم را ترک می کنند به شرح ذیل داده است. اگر مرتکب یا معاون قبل از آنکه تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از ۵ روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از ۲ تا ۶ ماه خواهد بود. پس قانون گذار در این ماده کاستن از آثار عمل مجرمانه یا ملایمت در رفتار مجرمانه را موجب تخفیف می داند.

ب- جهات تخفیف

همانند عذرهای تخفیف اوضاع و احوالی است که سبب کاهش مجازات می شود با این تفاوت که در رسیدگی به یک مورد خاص به خاطر شخصیت، ویژگی و یا شرایط مرتکب جرم و یا به خاطر نحوه عمل در اعطای تخفیف مختار است، پس یک حق نیست که متهم بتواند آن را مطالبه کند تا دادگاه ملزم به آن شود. حتی مرجع تجدید نظر هم نمی تواند به استثناء عدم رعایت و اعمال تخفیف حکم صادره نقض کند. کیفیات مذکور در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی به طور حصری در ۸ بند پیش بینی شده اند و همان گونه که تبصره ماده ۳۸ بیان می کند قاضی مکلف است در صورت مد نظر قرار دادن کیفیات مخففه آنها را در حکم محکومیت به صراحت قید کند اما با تدقیق در این ۸ مورد متوجه می شویم که که محتوایشان به گونه ایست که که حصری بودن را از بین برده است. در نظریه ۷۵۸۸۵- ۲۷ / ۱۳۷۸/۸ قانون جمهوری اسلامی ایران این امر تصریح شده است: بدون وجود جهات تخفیف تقلیل مجازات از حداقل و یا تبدیل کردن به مجازات دیگر مجوز قانونی ندارد. جهات تخفیف ممکن است مربوط به رفتار شخص متهم، رفتار مجنی علیه و یا ضروریان وارده باشد که در زیر به شرح آنها می پردازیم.

۱- جهت مربوط به شخص متهم: بندهای (ب)، (پ)، (ت)، (ث)، (ج) ماده ۳۸

- ۲- جهات مربوط به قربانی یا زیان دیده: الف. اوضاع و احوال خاص و رفتار و گفتار مجنی علیه ب. گذشت شاکی یا مدعی خصوصی
- ۳- خفیف بودن زیان وارده یا نتایج زیان بار جرم (بند ه ماده ی ۳۸)

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت نسبت به مجرم اعلام رضایت نماید دادگاه میتواند مجازات متهم را تخفیف دهد. اگر شکایت کنندگان متعدد باشند گذشت بعضی از آنها کافی است و گذشت همه آنها ضرورتی ندارد و هم چنین عدول از گذشت در دادگاه مسموع نیست پس با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی دادگاه می تواند مجازات را تخفیف دهد هر چند جرم نظم عمومی را مخدوش کرده باشد در مورد جرائم قابل گذشت مساله اعمال تخفیف مطرح نیست زیرا در این جرائم با گذشت یا رضایت شاکی یا مدعی خصوصی در هر مرحله که باشد تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم متوقف می گردد. ندامت ، حسن سابقه یا وضع خاص متهم اظهار ندامت و پشیمانی متهم ممکن است دال بر عدم ارتکاب جرم دیگر در آینده توسط او باشد. (معمدی، ۱۳۹۷، ص ۴۶) به نظر می رسد منظور از وضع خاص متهم شرایط زندگی ، شغلی ، وضعیت اجتماعی و هم چنین موقعیت و جایگاه فرد در جامعه باشد و یا این که منظور وضعیت جسمانی و روانی متهم از قبیل بیماری و کهولت سن و ... باشد کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم و یا جبران زیان ناشی از آن هرگونه اقدام متهم برای کاستن از آثار جرم چه در اثنای وقوع جرم و چه بعد از وقوع جرم تا پیش از صدور حکم قطعی موجب تخفیف می گردد. تشخیص این که این اقدام یا کوشش برای کاهش آثار جرم بوده یا نه بر عهده دادگاه است .

همکاری موثر متهم

اگر متهم رفتاری داشته باشد که به مراجع تعقیب و یا دادگاه در زمینه کشف و شناسایی شرکا یا معاونین جرم کمک نماید و یا این که در زمینه کشف و اشیایی که در ارتکاب جرم استفاده شده تاثیر داشته باشد از موارد تخفیف دهنده است لازم به ذکر است که این اظهارات و رفتارها باید مربوط به جرم انجام یافته باشد، نه در مورد جرایم دیگر و هم چنین باید مربوط به اشیایی باشد که از جرم اتفاق افتاده به دست آمده باشد نه اشیایی که از جرایم دیگر مرتکب به دست آمده باشد.

اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار موثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

قرینه دیگری بر عدم وجود حالت خطرناک در متهم اعلام او قبل از تعقیب یعنی آگاهانیدن ماموران به وقوع جرم و یا اقرار او در حین تحقیق و رسیدگی یعنی نزد بازپرس ، قاضی تحقیق و یا دادرسی است مشروط بر این که این اعلام و یا اقرار در کشف جرم موثر باشد . پس این اعلام و اقرار در مراحل مختلف می تواند تا حدودی دال بر احساس ندامت و قبول مسئولیت در قبال عمل ارتکاب یافته تلقی گردد و از این رو او رامستحق تخفیف شناخت. حالت برانگیختگی و یا انگیزه شرافتمندانه متهم در ارتکاب جرم متهم ممکن است تحت تاثیر اوضاع و احوال خاص مرتکب جرم شود و عدل و انصاف حکم می کند که به نسبتی که بزه دیده خود در وقوع جرم سهم داشته از میزان مجازات بزهکار کاسته شود. به عنوان مثال در بسیار از جرایم تحریک مجنی علیه از مواردی است که متهم را وادار به ارتکاب جرم می کند و یا این که متهم جرم را با نیت حمایت از برخی از ارزش های عالی انسانی مرتکب می شود بنابراین مجازات سخت چندان موثر نیست. در قانون قبلی ماده ۲۲ تنها به ۶ مورد بالا اشاره شده بود اما در قانون جدید ۲ مورد دیگر به این موارد افزوده شده است که عبارتند از:

۱-خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم

منظور از زیان وارده کلیه خسارات مادی و معنوی است که به زیان دیده وارد شده است برای تشخیص میزان زیان وارده دادگاه باید پیش از هر چیز آن را تقویم کند و در نهایت خسارات را با وضعیت مالی زیان دیده مقایسه نماید پس زمانی که قاضی پرونده تشخیص دهد که زیان وارده به بزه دیده و میزان اخلاص آن در نظام اجتماعی خفیف بوده می تواند فرد را مشمول تخفیف قرار دهد.

۲-مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

منظور از مداخله شریک یا معاون در وقوع جرم تاثیر مادی رفتار هر یک در وقوع جرم است ، در شرکت در جرم نباید ضعف و قوت مداخله شرکا امتیازی برای برخی از آنان به حساب آید در مورد معاونت نیز اگر بپذیریم که میان رفتار معاون و نتیجه جرم اصلی رابطه سببیت وجود دارد ، مداخله ضعیف بی معنی است . به نظر میرسد به جهات مذکور در ماده ۳۸ باید توبه و گذشت بزه دیده را نیز اضافه کرد.

۳-توبه

توبه در مجازاتهای تعزیری درجه ۵-۱ موجب تخفیف تلقی شده است. ماده ۱۱۵ قانون جدید در صحت این ادعا بیان می دارد که " در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ چنان چه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز گردد ، مجازات ساقط می گردد ، در سایر جرایم موجب تعزیر دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

۴-گذشت بزه دیده

مورد دیگر که به نظر می رسد باید به جهات مذکور در ماده ۳۸ اضافه گردد گذشت بزه دیده در جرایم غیر قابل گذشت است جرایم قابل گذشت تعقیب شان وابسته به اراده شاکی است و با گذشت شاکی روند تعقیب ادامه پیدا نمی کند (موجبات توقف رسیدگی را فراهم می کند) اما تعقیب جرایم غیر قابل گذشت وابسته به اراده شاکی نیست و گذشت بزه دیده اثر توقف کننده ندارد اما می تواند جزو تخفیف باشد.

فصل سوم

موانع تخفیف کیفر

اولین نکته ای که باید بدان اشاره کرد این است که به سبب جهات مشابه اجازه تخفیف دوباره داده نشده است؛

به موجب تبصره ۲ ماده ۳۸ چنانچه نظیر جهات تخفیف مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات، دوباره مجازات را تخفیف دهد. برای مثال، همان طور که قبلا گفتیم قانون گذار در ماده ۵۳۱ برای افشا کننده بزه جعل و استفاده از سند مجعول، تخفیف در مجازات را پیش بینی کرده است حال اگر دادگاه به استناد این ماده، مجازات مندرج در ماده ۵۲۷ که جعل مدارک تحصیلی است و قانونا شامل حبس از یک تا سه سال می باشد را به شش ماه تخفیف دهد، دیگر نمی تواند به استناد بند ب ماده ۳۸ که اجازه تخفیف به همان جهت مندرج در ماده ۵۳۱ را داده است مجازات شش ماه حبس را تقلیل دهد و نکته دیگر این که قانونگذار در برخی از مواد قوانین جزایی به دلیل اهمیت جرم ارتكابی، قاضی را از تخفیف مجازات منع کرده است که به دو مورد اشاره می شود.

۱- مجازات کلاهبرداری مستندا به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری) از یک تا هفت سال حبس تعزیری، رد مال کلاهبرداری شده به صاحبش و جزای نقدی به میزان مال مورد کلاهبرداری است به موجب تبصره ۱ ماده فوق: « در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد بنابراین، دادگاه نمی تواند مجازات کلاهبردار را با اعمال مقررات مربوط به تخفیف کم تر از یک سال حبس تعیین کند. اما این تبصره اولاً، دارای این اشکال هست که نحوه نگارش آن و تنظیم تبصره، صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا تعیین حداقل یک سال حبس از اختیارات دادگاه است و نیازی به اعمال ضوابط مربوط به تخفیف

مجازات ندارد تا با اعمال آن ها به یک سال حبس حکمی صادر کنند. ثانیاً، تبصره فوق محدود کننده اختیارات قاضی جزایی در مقام تخفیف، و مخالف با فردی کردن مجازات هاست؛ چه بسا فردی به کلاهبرداری مبلغ ناچیزی مثلاً یک هزار تومان مبادرت نماید محکوم کردن چنین فردی خلاف نصفت قضایی است؛ به خصوص این که شاکی خصوصی گذشت کرده باشد. اصرار قضات جزایی به تعیین حبس کم تر از یک سال که محکومیت انتظامی را نیز به دنبال داشته است؛ موجب صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۷۷/۶/۲۵ گردید که به موجب آن: «با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، حکم به کم تر از یک سال حبس با توجه به تبصره ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مغایر با موازین قانونی است» با عنایت به رأی فوق تنها راهکاری که به نظر می رسد عملی باشد تبدیل مجازات حبس در کلاهبرداری به جزای نقدی است؛ زیرا قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب آذر ماه ۱۳۶۷ است و در زمان تصویب این قانون، قانون راجع به مجازات اسلامی حاکم بود که در ماده ۳۵ آن نیز بحثی از تبدیل مجازات در راه تخفیف مجازات نیامده بود و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، در ماده ۲۲ اجازه تبدیل مجازات را داده بود. بدیهی است تبدیل، غیر از "تقلیل" است که در تبصره ماده ۱ قانون تشدید آمده است بنابراین تعیین جزای نقدی به جای حبس در مورد کلاهبرداری بدون اشکال به نظر می رسد، اکنون با تصویب مقررات جدید همان گونه که اشاره شد دیگر تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی محمل قانونی ندارد و دادگاه نمی تواند به مجازات کم تر از یک سال حکم کند.

۲- به موجب ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی که (در باب قتل و صدمات بدنی غیر عمدی بر اثر رانندگی وسایط نقلیه است): «هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رسانیدن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی، از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد ۷۱۴، ۷۱۵ و ۷۱۶ محکوم خواهد شد» دادگاه نمی تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.

فصل چهارم

آثار جهات تخفیف

الف) اثر تخفیف مجازات نسبت به مجازاتها همان گونه که بیان شد در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه می تواند مجازات قانونی مجرم را تخفیف دهد در این صورت دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند. (تبصره ۱ ماده ۳۸) قانون گذار حدود تخفیف مجازاتهای

تعزیری را در ذیل ماده ۳۷ بیان نموده است (مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱ تابستان ۱۳۹۰) به موجب این ماده "دادگاه می تواند در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف مجازاتهای تعزیری را به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند

۱- تقلیل حسی به میزان یک یا سه درجه

۲- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

۳- بدلیل انفصال دایم به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال

۴- تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر و در ماده ۳۹ نیز قانون مقرر می دارد :

"در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت احراز جهات تخفیف چنان چه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می شود ، در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی جبران ضرر و زیان با برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر دهد. پس با توجه به این دو ماده کیفیات مخففه به دو صورت نسبت به مجازاتها اثر می گذارند.

۱- تخفیف (تقلیل یا تبدیل مجازات) ۲- معافیت از مجازات قبل از پایان دادن به این بخش ذکر چند نکته پیرامون این مواد ضروری است:

۱- در برخی جرایم (مثل کلاهبرداری) قانون گذار صریحا اعمال مجازاتی خفیف تر از حداقل مقرر را منع کرده است. تبصره ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و رای وحدت رویه ۶۲۸ - ۳۱ / ۶ / ۱۳۷۷ در تایید این ممنوعیت صراحت دارد. هم چنین تبصره ماده ۶۶۶ سه فقره محکومیت کیفری قطعی به سرقت را مانع از استفاده از کیفیات مخفف دانسته است

۲- در پرونده هایی که مشمول تعدد جرم اند تخفیف براساس ماده ۳۷ نخواهد بود بلکه فقط مطابق تبصره ۳ ماده ۱۳۴ امکان پذیر است مطلب تبصره ۳ ماده ۱۳۴ برخلاف ماده ۲۲ قانون قبلی اعمال تخفیف در تعدد جرم تابع محدودیت های خاصی است. این تبصره مقرر می دارد در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه میتواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل بنابرین اگر مجازات جرمی ۲ تا ۵ سال حبس باشد با احراز تعدد جرم و جهات تخفیف به جای حداکثر مجازات یعنی ۵ سال حبس، قاضی می تواند تا ۳ و نیم سال حبس تعیین کند و اگر مجازات ۳ سال حبس باشد می تواند ۱ و نیم سال تقلیل دهد.

۳- قانون قبلی در مورد تخفیف مجازات در صورت تکرار جرم ساکت بود اما قانون جدید به تخفیف مجازات در صورت تکرار جرم تصریح نموده است که نه بر اساس مقررات ماده ۳۷ بلکه فقط طبق

ماده ۱۳۹ امکان پذیر است. ماده ۱۳۹ مقرر می دارد: "در تکرار جرایم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف به شرح زیر عمل می شود: الف- چنانچه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد. ب- چنانچه مجازات ثابت و یا فاقد حداقل باشد دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا نصف مجازات مقرر تقلیل دهد".

۴- در مورد جرایمی که چند مجازات برای آنها تعیین شده دادگاه می تواند در مقام تخفیف همه یا بعضی از آنها را تخفیف دهد به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد. در خصوص جرایم اطفال و نوجوانان هم قانونگذار تخفیف مجازات را پذیرفته اما به موجب ماده ۹۳ به دادگاه ها اجازه نداده است در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات ها را کمتر از حداقل تقلیل دهند. ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات ها را تا نصف حداقل، تقلیل دهد و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

(ب) اثر جهات تخفیف مجازات ها نسبت به اقدامات تامینی

اقدامات تامینی یک سلسله تدابیر پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه هستند برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرم خطرناک که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه رسیدگی کننده اتخاذ و درباره آنها اعمال می گردد. در مورد اینکه آیا دادگاه می تواند با احراز جهات تخفیف اقدامات تامینی را تخفیف دهد. اینکه اصولاً تبع این تدابیر مستعد تخفیف یا تبدیل است یا خیر، علمای حقوق عقاید مختلفی ابراز کرده اند. البته راجع به آن بخش از تدابیر تامینی که با نیت اصلاح و درمان بزهکاران هستند چندان مسئله پیچیده نیست چراکه علی القاعده تصمیم مرجع قضائی به تبدیل یا تقلیل این قبیل اقدامات تابع تغییر وضع محکوم علیه و درنهایت رفع حالت خطرناک اوست و اختیاری که دادگاه ها دارند در این موارد تجدید نظر در تصمیم نخستین است چرا که قاعده فراغ دادرس در اینجا علی الاصول جاری نیست. اما راجع به آن دسته از تدابیر تامینی که طبع دو یا چندگانه دارند تاثیر جهات تخفیف صورت دیگری پیدا می کند. رای دیوان عالی کشور (شماره ۲۶-۱۵/۳/۵۳) مبنی بر اینکه اقامت اجباری یا منع از اقامت را قوی تر از جنبه کیفری آن می داند. همچنین در مورد اقدامی مانند تعطیلی یا بستن موسسه نیز همین حکم جاری است چراکه بستن یا تعطیلی موسسه مادام که این حالت باقی است جنبه باز دارنده خواهد داشت.

نتیجه گیری

از مهمترین قوانینی که پس از انقلاب اسلامی، تدوین و به تصویب رسیده قانون مجازات اسلامی است. قانون مجازات اسلامی با وجود این که از قوانین داخلی محسوب می شود اما از جهات بین المللی، داخلی، سیاسی و اجتماعی انعکاس وسیعی داشته و این امر در نظام قانونگذاری نیز دارای جنبه های نوآورانه ای بوده است.

از نوآوری هایی که در سال ۱۳۹۹ توسط قوه قضائیه در خصوص کاهش جمعیت کیفری بوجود آمد مطرح کردن میزان مجازات های قانونی در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی بود که به نفع متهم اقدام شد. حذف برخی از حبس های تعزیری، کاهش میزان مجازات قانونی، تبدیل برخی مجازات ها به جزای نقدی یا مجازات های دیگر. اما این اقدامات شاید در نظر عامه باعث کاهش اثرگذاری متهم در انجام جرم جدید و در نتیجه منجر به تنبیه شدن او می باشد

قانونگذار در قانون مجازات جدید نوآوری به عمل آورده که از جمله این موارد کمک شایانی می تواند به کاهش جمعیت کیفری داشته باشد و این امر مکمل و پشتوانه خوبی برای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سال ۱۳۹۹ اشاره نمود که این امر موضوع تخفیف مجازات را نظام مندتر کرده و به طور کلی موضوع مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات ۱۳۹۲ نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ روشن تر و شفافتر است.

نظام مند کردن مجازات های جایگزین حبس مجازات های جایگزین حبس در قانون جدید مجازات اسلامی در یک بخش مجزا تدوین شده است. به این ترتیب کیفرهای مزبور نظام مند شده است. نظام مند شدن تخفیف مجازات ها در قانون جدید مجازات اسلامی موضوع تخفیف مجازات ها شده است. دیگر دادگاه ها نمی توانند مجازات های تعزیری را به هر صورتی که می خواهند تخفیف دهند. بنابراین دادگاه ها برای تخفیف مجازات باید در چارچوب خاصی که در قانون جدید بیان شده است اقدام کنند. در توضیح مقررات تخفیف مجازات ها باید گفت که قانون با تحقق شرایطی به قاضی اجازه داده است که در مجازات مجرم تخفیف هایی اعمال کند.

فهرست منابع

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- الهام غلامحسین ، برهانی محسن ، درآمدی بر حقوق جزای عمومی ، جلد ۲ ، چاپ ششم ، نشر میزان ، ۱۴۰۱ ، ص ۲۹۳
- اردبیلی محمد علی ، حقوق جزای عمومی ، جلد سوم ، چاپ چهارم ، نشر میزان ، ۱۴۰۲ ، ص ۲۴۷
- سلیمی ، صادق ، چکیده حقوق جزایی عمومی ، نشر جاودانه ، چاپ سوم ، ۱۳۹۹
- مصدق ، محمد ، شرح قانون مجازات مصوب ۹۲ ، نشر جنگل ، چاپ چهارم ، ۱۳۹۹
- میر محمد صادقی ، حسین ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان ، چاپ سیزدهم ، پاییز ۱۴۰۲
- سیدنژاد کوهستانی ، اشرف السادات . ۱۴۰۰ بررسی تطبیقی حبس و حبس زدایی در حقوق ایران و مصر ، رساله دکتری ، دانشگاه عدالت ، تهران .
- صفاری ، علی ۱۳۹۹ . کیفرشناسی ، تهران ، نشر جنگل ، چاپ بیست و ششم . طهماسبی ، جواد . ۱۳۹۶ (آیین دادرسی کیفری ، جلد دوم ، انتشارات میزان ، چاپ دوم .
- عابدی ، احمد رضا . ۱۴۰۰ آیین دادرسی کیفری ، انتشارات قوه قضاییه ، چاپ اول .
- عطایی ، سمیه . ۱۳۹۴ بررسی سیاست کیفری تقنینی ناظر بر حبس زدایی در حقوق ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ، ۱۳۹۲ پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علوم پایه دامغان
- نوربها ، رضا ، زمینه حقوق جزای عمومی ، نشر دادآفرین ، چاپ ۳۳ ، ۱۳۹۱
- ناصر مکارم شیرازی و همکاران ، تفسیر نمونه ، ج ۱۴ ، ص ۳۶۱ - ۸ . محمدعلی ابهری ، اسالم و دفاع اجتماعی
- تاریخ اندیشه های کیفری ، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی
- نیازپور ، امیر حسن ، تقریرات آیین دادرسی کیفری ۱ ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۹۸
- حائری ، سید کاظم ، بیتا ، انواع تعزیر و ضوابط آن ، نشریهی فقه اهل بیت ، سال ۱۳ ، شماره ۵۱
- حسینی ، سید محمد ، دو گونه کیفر در مقابل دو دسته بزه ، بازتعریف حدود و تعزیرات ، از دیدگاه فلسفه کیفری ، فصلنامه ی حقوق ، دوره ۳۹ ، شماره ۱
- خادمی کوشا ، محمدعلی . ۱۳۹۶ تبدیل ناپذیری حدود ، مجازاتهای بدنی معین در اسالم ، فصلنامه ی کاوشی نو در فقه ، سال بیست و چهارم ، شماره ۲
- خدایار ، حسین و نوبهار ، رحیم . ۱۳۹۷ ، بازخوانی تحلیلی - انتقادی مفهوم اقامه ی حد و تعطیل حد ، پژوهش حقوق کیفری ، سال هفتم ، شماره ۲۵
- رهایی ، سعید . ۱۳۹۲ حقوق و دادرسی کیفری در آیینهی فقه مطابق با نظرات و فتاوی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی ، جلد ۱ ، چاپ اول ، قم ، انتشارات رادنگار
- طباطبایی ، سید محمدحسین . ۱۳۷۴ تفسیر المیزان ، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی ، جلد ۹ و ۲۰ ، چاپ دوم ، قم ، دفتر انتشارات اسالمی

- علیان نژادی، ابوالقاسم. ۱۳۸۳ تعزیر و گستره ی آن، تقریرات درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی، چاپ اول، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب ع
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۴۱۲ ه ق قاموس قرآن، جلد ۲، چاپ ششم، تهران، دارالکتب اسلامی
- محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۸۴، قواعد فقه، جلد ۴، چاپ پنجم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی
- معمدی، محمد. ۱۳۹۷، سیره عقال و عرف در اجتهاد، چاپ اول، تهران، انتشارات سرایی ص ۴۶
- نوبهار، رحیم. ۱۳۹۳، انتشارات جنگل، ص ۲۳۴
- جستاری در دلیل نقلی تقسیم بندی حد و تعزیر، فصلنامه ی تحقیقات حقوقی، شماره ی ۶۷.
- نوبهار، رحیم ۱۳۸۹ اهداف مجازاتها در جرایم جنسی - چشم اندازی اسالمی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ
- سادات، لیلا ۱۳۹۶ حقوق کیفری خانواده، انتشارات میزان، چاپ دوم ص ۱۴۳
- سادات، لیلا ۱۳۹۴، شرحی بر قانون آیین دادرسی کیفری، انتشارات فکرسازان، چاپ اول

